

## نقش واسطه‌ای خودنظم‌جویی رفتاری در رابطه بین سبک‌های هویت و ابراز وجود

# The Mediating Role of Behavioral Self- Regulation in Relation of Identity Styles and Assertiveness

Amirabbas Fatehi  
MA in Educational  
Psychology

Mahbubeh Fouladchang, PhD  
Shiraz University

محبوبه فولادچنگ  
دانشیار دانشگاه شیراز

امیرعباس فاتحی  
کارشناسی ارشد  
روان‌شناسی تربیتی

### چکیده

در این پژوهش در چهارچوب مدلی علی، نقش پیش‌آیندی سبک‌های هویت در ابراز وجود با واسطه‌ای خودنظم‌جویی رفتاری بررسی شد. بدین منظور ۲۶۵ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی شهر ابرکوه (۱۲۱ دختر، ۱۴۴ پسر) به شیوه خوشه‌ای تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از سیاهه تجدید نظر شده سبک‌های هویت برزونسکی (وایت و دیگران، ۱۹۹۸)، پرسشنامه خودنظم‌جویی رفتاری (براون، میلر، و لواندوسکی، ۱۹۹۹) و پرسشنامه ابراز وجود (گمبریل و ریچی، ۱۹۷۵) استفاده شد. مدل پیشنهادی پژوهش با استفاده از تحلیل مسیر آزمون شد و برای سنجش معناداری اثرات غیرمستقیم متغیرهای رابطه‌ای، روش نمونه‌برداری‌های مکرر خودراه‌انداز به کار رفت. نتایج حاکی از تأیید نقش واسطه‌ای خودنظم‌جویی رفتاری بود. یافته‌ها نشان دادند که سبک اطلاعاتی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم و تعهد هویت به‌صورت غیرمستقیم با نقش واسطه‌ای خودنظم‌جویی رفتاری پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار ابراز وجود و سبک سردرگم-اجتنابی با نقش واسطه‌ای خودنظم‌جویی رفتاری پیش‌بینی‌کننده منفی و غیرمستقیم ابراز وجود است. خودنظم‌جویی رفتاری نیز به‌صورت مثبت و معنادار ابراز وجود را پیش‌بینی کرد. یافته‌ها بر مبنای کاربردها در آموزش والدین و افزایش امکان ابراز وجود در دانش‌آموزان بحث شد.

واژه‌های کلیدی: هویت، خودنظم‌جویی رفتاری، ابراز وجود

### Abstract

The present study investigated a causal model of identity styles in predicting assertiveness through behavioral self-regulation. Two hundred and sixty five students (121 girls, 144 boys) were selected from high schools of Abarkuh, Yazd using multistage cluster sampling method. The participants completed the revised Berzonsky Identity Styles Inventory (White et al., 1998), the Behavioral Self - regulation Questionnaire (Brown, Miller, & Lawendowski, 1999), and the Assertiveness Questionnaire (Gambrell & Richey, 1975). The hypothetical model was tested by path analysis and the significance of the mediating effects were assessed by Bootstrap method. The results supported the mediating role of behavioral self-regulation. The results indicated that the informational style positively and significantly predicted assertiveness directly and indirectly through behavioral self-regulation. Identity commitment positively and significantly predicted assertiveness through behavioral self-regulation. Diffuse-avoidant style negatively and significantly predicted assertiveness through behavioral self-regulation. Behavioral self - regulation was a significant and positive predictor of assertiveness. The findings were discussed in terms of their applications to parents' education and assertiveness enhancement in students.

**Keywords:** identity, behavioral self - regulation, assertiveness

received: 11 January 2016

accepted: 8 May 2016

Contact information: amirabbasfatehi@gmail.com

دریافت: ۹۴/۱۰/۲۱

پذیرش: ۹۵/۲/۱۹

## مقدمه

دستیابی به هویت<sup>۱</sup> یکی از تکالیف اصلی تحولی در دوران نوجوانی است (اریکسون، ۱۹۶۸). در این دوره تغییرات در زمینه‌های مختلف زیستی، شناختی و اجتماعی سبب می‌شود افراد قبل از هویت‌یابی روی گزینه‌های مختلف هویت تأمل و تعهداتی در حوزه‌های گوناگون هویت برای خود کسب کنند (کراستی، سیکا، شوارتز، سرافینی و میبوس، ۲۰۱۳). موشمن (۱۹۹۹) هویت را نظریه‌ی روشنی درباره‌ی خویشتن می‌داند که فرد برای دستیابی به آن بر اساس عقل عمل می‌کند و مسئولیت اعمال خود را می‌پذیرد. جست‌وجو و تلاش برای دستیابی به هویت اهمیت اساسی در تصمیم‌گیری‌های تحصیلی، شغلی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی دارد (برک<sup>۲</sup>، ۱۳۸۸/۲۰۰۷).

اریکسون (۱۹۶۸) اولین کسی بود که هویت‌یابی را به‌عنوان گامی مهم در گذار از نوجوانی و ورود به مرحله بزرگسالی مطرح کرد و ضمن تعریف هویت به عنوان مفهوم سازمان‌یافته‌ای از «خود» که شامل ارزش‌ها، باورها و هدف‌هایی است که فرد به آن پایبند است، نظامی هشت مرحله‌ای را برای توصیف تحول روانی - اجتماعی انسان در طول زندگی تدوین کرد. او بر این باور است که فرد در هر مرحله با یک تکلیف یا بحران تحولی مواجه می‌شود که باید آن را پشت سر گذارد تا بتواند مطابق با الگوی سالم تحول به زندگی ادامه دهد. بحران اساسی در مرحله پنجم، که در دوران نوجوانی رخ می‌دهد بحران هویت‌یابی در برابر سردرگمی هویت<sup>۳</sup> است و ریشه بسیاری از مشکلات دوران نوجوانی در چگونگی پشت سر گذاشتن این بحران است. نوجوان قبل از به نتیجه رسیدن در مورد ارزش‌ها و هدف‌های دوران گذرایی از بحران هویت را تجربه می‌کند (شاملو، ۱۳۸۲).

هویت‌یابی موفقیت‌آمیز برای مصون ماندن از آسیب‌های اجتماعی ضروری است (قاسمی، عارفی و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۲)، اما سردرگمی هویت با این احساس همراه است که فرد واقعاً نمی‌داند چه کسی است و به کجا می‌رود، در نتیجه آمادگی لازم را برای روبه‌رو شدن با چالش‌های دوران بزرگسالی

کسب نمی‌کند (شولتز<sup>۴</sup> و شولتز<sup>۵</sup>، ۱۳۹۰/۲۰۰۵). برای رسیدن به هویت موفق تردید کردن در مورد ارزش‌ها، برنامه‌ها و اولویت‌های خود ضروری است. با این حال، نظریه‌پردازان جدید این فرایند را بحران نمی‌دانند (گروتوانت، ۱۹۹۷).

مارسیا<sup>۶</sup> (۱۹۶۶ نقل از برک، ۱۳۸۸/۲۰۰۷) هویت را بر اساس دو بعد مستقل از هم، جست‌وجوگری<sup>۷</sup> و تعهد<sup>۸</sup>، توصیف می‌کند. در جست‌وجوگری، فرد برای رسیدن به مفهوم تجدیدنظرشده و تصحیح‌شده از «خود» تلاش می‌کند؛ درحالی‌که تعهد به معنای برگزیدن مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها و عقاید و دنبال کردن هدف‌های خاص در زندگی است. مارسیا با توجه به این دو بعد، چهار وضعیت هویتی را در یک پیوستار بر اساس نظریه اریکسون مطرح می‌کند: ۱. هویت پراکنده<sup>۹</sup> ۲. هویت تحمیل‌شده<sup>۱۰</sup> ۳. هویت معوق<sup>۱۱</sup> ۴. هویت موفق<sup>۱۲</sup>.

در افراد با هویت پراکنده جست‌وجوگری کم و تعهد پایین است. این افراد سمت و سوی مشخصی ندارند، به ارزش‌ها و هدف‌هایشان پایبند نیستند و سعی نمی‌کنند به آن‌ها دست یابند. در مقابل، افراد با هویت تحمیل‌شده بدون جست‌وجوی گزینه‌ها خود را به ارزش‌ها و هدف‌هایی متعهد ساخته‌اند. افراد با هویت معوق در فرایند جست‌وجوی هویت هستند و هنوز احساس تعهد قطعی ندارند. سرانجام، افراد با هویت موفق به دلیل جست‌وجوهای خود به مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هدف‌هایی متعهد شده‌اند که خود برگزیده‌اند و به هویت دست یافته‌اند (برک، ۱۳۸۸/۲۰۰۷).

پس از آن برزونسکی (۱۹۹۰، ۱۹۹۴) با تدوین مدلی شناختی - اجتماعی<sup>۱۳</sup> نشان می‌دهد که نوجوانان با وضعیت‌های هویتی متفاوت برای شکل دادن به هویت خود از فرایندهای شناختی - اجتماعی مختلفی بهره می‌جویند. وی با تمرکز بر بعد جست‌وجوگری مدل مارسیا سه سبک پردازش هویت را معرفی می‌کند: اطلاعاتی<sup>۱۴</sup>، هنجاری<sup>۱۵</sup> و سردرگم - اجتنابی. نوجوانانی که فعالانه به جست‌وجو و ارزیابی اطلاعات مربوط به هویت خود می‌پردازند سبک هویت اطلاعاتی دارند و برخوردار از حسی منسجم و متمایز از هویت شخصی خود

1. identity

2. Berk, L.

3. identification against identity confusion

4. Schultz, D. P.

5. Schultz, S. E.

6. Marcia, J.

7. exploration

8. commitment

9. identity diffusion

10. identity foreclosure

11. identity moratorium

12. identity achievement

13. social cognitive model

14. informational identity style

15. normative style

گفتن» به تقاضاهایی تعریف کرده‌اند که فرد نمی‌خواهد انجام دهد (بکر، کرون، ون بلکام و ورمی، ۲۰۰۸). این مهارت از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مهارت‌های اجتماعی است که در برقراری، حفظ و انسجام روابط بین‌فردی اهمیت دارد. ابراز وجود به معنای توانایی ابراز صادقانه نظر یا احساس و بازخورد بدون احساس اضطراب و شامل دفاع فرد از حقوق خود بدون پامال کردن حقوق دیگران است (سازمان بهداشت جهانی<sup>۵</sup> ۱۳۸۵/۲۰۰۶). ماسترز، بوریش، هالن و ریمم (۱۹۸۷) معتقدند فرد دارای مهارت ابراز وجود به صورتی که مورد پسند جامعه باشد درخواست‌های تحمیلی دیگران را قاطعانه رد و برای رسیدن به هدف‌ها یا برطرف کردن نیازهای خود درخواست‌های خود را مطرح می‌کند.

برخی پژوهش‌ها (برای نمونه آل‌بهبهانی، ۲۰۱۵؛ گوردن، ۱۹۸۹؛ واترمن، لوپز، گرونفیلد و جسی، ۲۰۰۰) رابطه مثبت و معناداری بین هویت موفق - که مطابق با سبک هویت اطلاعاتی است - و ابراز وجود نشان می‌دهند ولی ارتباط معنادار بین هویت تحمیل‌شده و هویت معوق با ابراز وجود گزارش نشده است. برخی از پژوهشگران (برای مثال برزونسکی، ۲۰۰۸؛ حکیم و موسوی، ۱۳۹۱؛ صادقی، تاجیک‌زاده و مهربابی‌زاده‌هنرمند، ۱۳۹۳؛ کلنسی و دالینجر، ۱۹۹۳؛ مغالو، وفایی و شهرآرای، ۱۳۸۷) نیز رابطه مثبت و معنادار بین سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری با بعد برون‌گردی شخصیت گزارش داده‌اند. همچنین برزونسکی، برانجی و میبوس (۲۰۰۷) رابطه مثبت و معنادار بین سبک هویت اطلاعاتی با روابط پخته<sup>۶</sup> پیدا کرده‌اند. شوارتز و دیگران (۲۰۰۰) دریافتند افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی بالاترین نمره و افراد دارای سبک هویت سردرگم - اجتنابی پایین‌ترین نمره را در مقیاس ابراز وجود کسب می‌کنند. پیری و شهرآرای (۱۳۸۴) نیز یافته‌های مشابهی را گزارش کردند. همچنین سماوی و حسین‌چاری (۱۳۸۸) بین سبک هویت هنجاری و سبک هویت سردرگم - اجتنابی و سوء مصرف مواد مخدر - که یکی از علل آن نبود مهارت ابراز وجود در برابر تهدیدات جامعه است - رابطه مثبت و معنادار یافتند. پژوهش لویکس، سوننز، ونستینکیست، گوسنس و برزونسکی (۲۰۰۷) رابطه

هستند (برزونسکی، ۲۰۰۴). چنین سبکی کارتر از سبک‌های دیگر به نظر می‌رسد (شوارتز، مولیس، واترمن و دانهام، ۲۰۰۰). افراد با سبک هویت هنجاری به صورت خودکار و از طریق درونی کردن ارزش‌ها و باورهای خانواده و افراد مهم زندگی با مسائل هویتی برخورد می‌کنند و به همین دلیل، ارزش‌های آن‌ها به طور کامل پردازش و ارزیابی دقیق و همه‌جانبه نشده است (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰). در نوجوانانی که سبک هویت سردرگم - اجتنابی دارند، سطح درگیری فعالانه در پردازش اطلاعات و حل مسئله پایین و تمایل آنان برای رویارویی با مشکلات شخصی و مسائل هویتی کمتر است. این سبک تحول‌نیافته‌ترین سبک در نظر گرفته شده است (برزونسکی و آدامز، ۱۹۹۹).

بررسی‌های متعدد نشان می‌دهد که سبک هویت اطلاعاتی با دستیابی به هویت جست‌وجوگرانه رابطه مثبت دارد و دستیابی به هویت نیازمند زمان برای کنکاش بیشتر درباره هویت است (برای نمونه فولادچنگ، شیخ‌الاسلامی و صفری، ۱۳۸۹). سبک هویت هنجاری با نداشتن جست‌وجوگری برای رسیدن به هویت رابطه قوی دارد، ولی سبک سردرگم - اجتنابی با پراکندگی هویت رابطه دارد (آدامز، برزونسکی و کیتینگ، ۲۰۰۶).

اگرچه بر اساس بعد جست‌وجوگری، سه سبک پردازش هویت مطرح شده؛ بعد تعهد نیز شالوده هویت دریافتی فرد را تشکیل می‌دهد (وایت، ۲۰۰۹) و به عنوان چهارچوب مهار، ارزیابی و نظم‌دهی رفتار و بازخوردها به صورت هدفمند و جهت‌دار عمل می‌کند (برزونسکی، ۲۰۰۳). افراد دارای تعهد قوی‌تر، سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری دارند و میزان تعهد در افراد با سبک هویت سردرگم - اجتنابی پایین است.

سبک‌های پردازش هویت بر رفتارهای فرد تاثیر می‌گذارد (کراستی، ایرنتایتی و زوکاسکینی، ۲۰۱۴، چانگ، شاو، دیشن، گاردنر و ویلسون، ۲۰۱۴). یکی از این رفتارها توانایی برخورد قاطع و مؤثر با دیگران و به عبارتی توانایی ابراز وجود<sup>۱</sup> است. مفهوم ابراز وجود را در سال ۱۹۴۹ اندرو سالتر<sup>۲</sup> برای اولین بار و با توجه به افکار پاولف مبنی بر تاثیرپذیری از برانگیختگی<sup>۳</sup> و بازداری<sup>۴</sup> مطرح کرد. ابراز وجود را توانایی دفاع از خود و «نه

1. assertiveness  
2. Andrew Salter

3. arousal  
4. inhibition

5. World Health Organization  
6. mature relations

مثبت بین سبک اطلاعاتی و حرمت خود را نشان داد که از ملزومات ابراز وجود است.

سبک‌های پردازش هویت یا تعهد هویت ممکن است بر خودنظم‌جویی<sup>۱</sup> تاثیر بگذارد (برزونسکی و پاپینی، ۲۰۱۴). چاتزیستاماتیو، درمیتزاسکی و باجیاتیس (۲۰۱۴) نشان دادند تعهد عاطفی معلم به شغل خود موجب بالا رفتن خودنظم‌جویی در دانش‌آموزان می‌شود و دانشی، برزگر و سهرابی‌شگفتی (۱۳۹۲) نیز مشاهده کردند تعهد هویت به صورت معنادار پیش‌بینی‌کننده خودنظم‌جویی است.

خودنظم‌جویی به معنای جهت‌دهی به اندیشه‌ها، احساسات و اعمال به قصد پیشبرد هدف‌های شخصی است (شانک، ۲۰۰۱) و اولین بار آلبرت بندورا (۱۹۹۷) این مفهوم را مطرح کرد که بر نقش مؤثر و فعال فرد تحت عنوان عاملیت انسانی<sup>۲</sup> تأکید دارد. بندورا چنین مطرح می‌کند که تحول خودنظم‌جویی براساس سه عامل شخصی<sup>۳</sup>، محیطی<sup>۴</sup> و رفتاری<sup>۵</sup> انجام می‌شود و انسان می‌آموزد در راه رسیدن به هدف‌ها، خود را تقویت یا تنبیه کند و می‌تواند به کنترل زندگی و هدف‌های آینده خود بپردازد (پروین<sup>۶</sup>، ۱۹۸۹/۱۳۷۲).

در نظریه شناختی-اجتماعی بندورا خودارزیابی نقش محوری دارد، به این دلیل که ایفاگر نقش انگیزشی و همچنین بازخوردی است. خودارزیابی شامل پردازش‌های مرتبط با هویت است. از دیدگاه بندورا انتخاب هدف و تعهد به آن، اساس خودنظم‌جویی است. افراد خودنظم‌جو درقبال هدف‌های معین احساس تعهد می‌کنند و این تعهد به آن‌ها انگیزه می‌دهد تا در راستای دستیابی به خواسته‌هایشان تلاش کنند. تلاش افراد خودنظم‌جو به همراه توجه، نظارت و ارزیابی فعال ابعاد شناختی، انگیزشی و رفتاری موجب کارآمدی و بهینه شدن این افراد می‌شود. یکی از نظریه‌هایی که بر اساس آن خودنظم‌جویی به معنی تلاش برای ارزیابی و نظارت بر شناخت، انگیزش و رفتار دانسته شده، نظریه پینتریک و دی‌گروت (۱۹۹۰) است. این نظریه از نظریه‌های مطرح در زمینه خودنظم‌جویی است و در آن راهبردهای شناختی<sup>۷</sup>، فراشناختی<sup>۸</sup> و انگیزشی<sup>۹</sup> با هم در نظر گرفته می‌شود.

زیرمؤلفه‌های مهارت‌های شناختی-فراشناختی که در این نظریه به عنوان راهبردهای یادگیری خودنظم‌جویی مطرح شده عبارت است از:

الف) فراشناخت: فراشناخت به معنی اعمال راهبردهایی مانند نظارت، ارزیابی، هدایت و اصلاح شناخت به قصد بهینه کردن شناخت است. فراشناخت به صورت فعال، شناخت را ارزیابی می‌کند.

ب) راهبردهای مدیریتی: فرد برای مؤثرتر کردن تلاش خود از شیوه‌های کنترلی استفاده می‌کند.

ج) مهارت‌های شناختی عمومی: این مؤلفه به معنی آن مهارت‌هایی است که افراد برای یادگیری و فهم مطالب و متعاقباً یادآوری اندوخته‌های ذهنی خود به کار می‌گیرند.

پینتریک و دی‌گروت (۱۹۹۰) برای تبیین زمینه انگیزشی نظریه خود از الگوی ارزش-انتظار<sup>۱۰</sup> استفاده کرده‌اند.

مؤلفه‌های انگیزشی مطرح‌شده عبارتند از:

۱. انتظارات: باور شخص در مورد توانایی‌های خود برای انجام دادن تکلیف.

۲. مؤلفه ارزش: باور شخص درباره جذابیت تکلیف.

۳. احساسات: واکنش‌های عاطفی شخص به انجام دادن تکلیف.

برخی یافته‌ها نشان می‌دهد سبک هویت اطلاعاتی با نمره بالا و سبک هویت سردرگم-اجتنابی با نمره پایین در خودنظم‌جویی همراه است (جاکوبسکی و دمبو، ۲۰۰۴).

برخورداری از مهارت ابراز وجود لازمه سلامت رفتار و عملکرد موفق در امور تحصیلی و زندگی است (منگرولکار، وایتمن و پاسنر، ۲۰۰۱). از نظر لین و دیگران (۲۰۰۴) ابراز وجود، به عنوان یک مهارت آموخته‌شده، تعیین‌کننده کیفیت ارتباط‌های انسانی و رفتارهای بین‌فردی است. محمودی‌کههریز، باقریان و حیدری (۱۳۹۳) در پژوهش خود به تاثیر سه زیرمقیاس (ارزشیابی اطلاعات، اجرای برنامه و دریافت اطلاعات) خودنظم‌جویی، بر سازگاری اجتماعی پی بردند که در تعامل با ابراز وجود است. در بسیاری از موقعیت‌ها، که قصد تعرض به حقوق دیگران به صورت هشیارانه یا ناهشیارانه وجود دارد، اگر فرد نتواند به صورت مناسب در برابر

1. self-regulation  
2. human agency  
3. personal

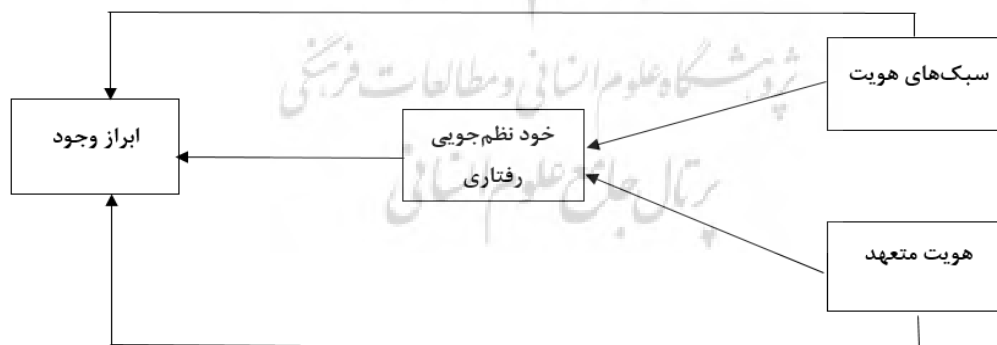
4. environmental  
5. behavioural  
6. Pervin, L.A.

7. cognitive strategies  
8. metacognitive strategies  
9. motivational strategies

10. expected value pattern

بین سبک‌های پردازش هویت و خودنظم‌جویی را تأیید کرده‌اند. گروه سومی هم، که البته کم تعدادتر هستند، ارتباط خودنظم‌جویی و ابراز وجود را نشان داده‌اند. نمونه آن پژوهشی است که لیزاراگا، اوگارت، الوار، ایریت و باکودانا (۲۰۰۳) انجام و نشان دادند با افزایش مهارت خودنظم‌جویی، ابراز وجود نیز افزایش می‌یابد. نظر به این سه دسته از تحقیقات و مهم‌تر از همه با توجه به مبانی نظری سبک‌های پردازش هویت، که نشان‌دهنده نقش سبک‌های پردازش اطلاعاتی در استقلال و تنظیم رفتار است، و طبق نظریه شناختی- اجتماعی بندورا، که خودنظم‌جویی پیامدهای مهمی مانند پشتکار و پیگیری هدف‌ها و غلبه بر موانعی دارد که فرد را از هدف دور می‌کند (شانک، ۲۰۰۱)، فرض واسطه‌گری خودنظم‌جویی در رابطه بین سبک‌های پردازش هویت و ابراز وجود مطرح می‌شود.

با توجه به آنچه پیشتر بیان شد، هدف این پژوهش تعیین نقش واسطه‌ای خودنظم‌جویی رفتاری در ارتباط سبک‌های هویت و تعهد هویت با مهارت ابراز وجود است. در این پژوهش علاوه بر جست‌وجوی نقش مستقیم انواع سبک‌های هویت و تعهد هویت در پیش‌بینی خودنظم‌جویی رفتاری، تأثیر غیرمستقیم آن‌ها را بر ابراز وجود با واسطه خودنظم‌جویی رفتاری بررسی کرده‌ایم (شکل ۱).



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

۳. آیا خودنظم‌جویی رفتاری در رابطه بین سبک‌های هویت و هویت متعهد با ابراز نقش واسطه‌ای دارد؟

### روش

این طرح پژوهشی از نوع همبستگی و مبتنی بر روش

این تعرض‌ها رفتار جرات‌ورزانه نشان دهد متحمل آسیب می‌شود. نوجوانی که تحت تاثیر گروه همسالان قدرت نه گفتن به تعارف مواد مخدر را نداشته باشد یا به دلیل کمبود مهارت ابراز وجود راضی به تزییع حقوق خود نباشد دچار آسیب جسمانی یا روانی می‌شود.

نظر به اهمیت ابراز وجود تحقیقات متعدد در مورد پیشایندها و واسطه‌گرهای احتمالی تعیین‌کننده این مهارت انجام شده است. در بیشتر این تحقیقات به پیشایندهای خانوادگی ابراز وجود نظیر شیوه‌های فرزندپروری (علایی، بابازاده‌خامن و احمدی‌گتاب، ۲۰۱۱) یا پیامدهای آن (مرادپور، میری، علی‌آبادی و پورصادق، ۱۳۹۲؛ نبوشا، فرقدانی و صفری، ۲۰۱۲) پرداخته‌اند و کمتر به پیشایندهای شناختی یا هویتی این مهارت توجه شده است. در مورد نقش شناخت‌ها یا فرایند شکل‌گیری هویت در رفتار ابراز وجود نیاز به تحقیقات بیشتری مشهود است و این پژوهش در راستای پاسخگویی به این نیاز انجام گرفته است.

این پژوهش براساس دیدگاه شناختی- اجتماعی صورت گرفته و هدف اصلی آن تعیین نقش واسطه‌ای خودنظم‌جویی در رابطه بین سبک‌های پردازش هویت و ابراز وجود است. همان‌طور که ملاحظه شد گروهی از پژوهشگران رابطه سبک‌های پردازش هویت و ابراز وجود و گروهی دیگر رابطه

بر این اساس، پرسش‌های زیر مطرح می‌شود:

۱. آیا براساس سبک‌های هویت و هویت متعهد می‌توان ابراز وجود و خودنظم‌جویی رفتاری را پیش‌بینی کرد؟
۲. آیا با کنترل سبک‌ها و هویت متعهد، می‌توان براساس خودنظم‌جویی رفتاری ابراز وجود را پیش‌بینی کرد؟

الگوسازی تحلیل مسیر بود. سبک‌های هویت متغیر برون‌زا، خودنظم‌جویی رفتاری متغیر واسطه‌ای و ابراز وجود متغیر درون‌زا بودند.

جامعه آماری پژوهش شامل کل دانش‌آموزان دبیرستانی شهر ابرکوه در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ بود. شرکت‌کنندگان در پژوهش ۲۶۵ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستان‌های شهر ابرکوه بودند. افراد نمونه به شیوه نمونه‌برداری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی برگزیده شدند؛ بدین صورت که ابتدا از بین همه دبیرستان‌های شهر ابرکوه چهار دبیرستان (دو دبیرستان پسرانه و دو دبیرستان دخترانه) و سپس از هر دبیرستان به تصادف یک کلاس از هر پایه تحصیلی انتخاب شد. بدین ترتیب ۱۴۴ دانش‌آموز پسر و ۱۲۱ دانش‌آموز دختر (با میانگین سنی ۱۵/۸۵ و انحراف استاندارد ۰/۹۶ و دامنه سنی ۱۸-۱۴ سال) گروه نمونه پژوهش را تشکیل دادند.

**سیاهه سبک‌های هویت<sup>۱</sup> (ISI-6 G)؛ وایت، ومپلر و وین، (۱۹۹۸).** این سیاهه را نخستین بار برزونسکی (۱۹۸۹) برای اندازه‌گیری آن دسته از فرایندهای شناختی - اجتماعی طراحی کرد که نوجوانان در برخورد با مسائل مربوط به هویت از آن بهره می‌گیرند. وایت و دیگران (۱۹۹۸) بر اساس نظریه برزونسکی این سیاهه را هنجاریابی و در آن تجدید نظر کردند. این سیاهه ۴۰ ماده در سه زیرمقیاس سبک هویت اطلاعاتی<sup>۲</sup> (۱۱ ماده)، سبک هویت هنجاری<sup>۳</sup> (۹ ماده) و سبک هویت سردرگم - اجتنابی<sup>۴</sup> (۱۰ ماده) همراه با سیاهه سبک هویت متعهد<sup>۵</sup> (۱۰ ماده) دارد. پاسخ‌ها در طیف کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم قرار می‌گیرد. برزونسکی (۱۹۹۷) ضرایب آلفای کرونباخ را برای هریک از زیرمقیاس‌های سبک‌های اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم - اجتنابی و متعهد به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۶۴، ۰/۷۶ و ۰/۷۱ گزارش کرده است. حجازی و برجعلی (۱۳۸۹) در پژوهش خود، ضریب اعتبار سبک اطلاعاتی ۰/۶۵، سبک هنجاری ۰/۶۰، سبک سردرگم - اجتنابی ۰/۶۳ و سبک هویت متعهد را ۰/۷۰ گزارش کرده‌اند. حسینی، مزیدی و حسین‌چاری (۱۳۸۹) ضریب آلفای کل سیاهه را ۰/۷۲ گزارش کرده‌اند. در این پژوهش اعتبار زیرمقیاس‌های اطلاعاتی، هنجاری،

سردرگم - اجتنابی و متعهد با استفاده از روش کرونباخ به ترتیب ۰/۶۱، ۰/۶۴، ۰/۷۲ و ۰/۵۷ به دست آمد. در مورد روایی، با توجه به این که در پژوهش‌های گذشته روایی ابزار بررسی شده بود، روایی آن محرز شناخته شد. برای نمونه روایی این سیاهه در پژوهش جوکار، حسین‌چاری و مهرپور (۱۳۹۳) بررسی و شاخص KMO برابر با ۰/۶۴ و مقدار خی‌دو آزمون بارتلت، ۱۲۱۸/۷۸ در سطح ۰/۰۰۱ معنادار گزارش شده است.

**پرسشنامه خودنظم‌جویی<sup>۶</sup> (SRQ)؛ براون، میلر و لاندوسکی، (۱۹۹۹).** در پژوهش از فرم کوتاه پرسشنامه خودنظم‌جویی براون و دیگران (۱۹۹۹) استفاده شد که نیل و کاری (۲۰۰۴) آن را هنجاریابی کرده‌اند. فرم کوتاه این پرسشنامه ۳۱ ماده دارد، که برای نمره‌گذاری، به هر ماده در یک مقیاس پنج درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) نمره داده می‌شود. در فرم کوتاه نیمی از ماده‌ها به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. براون و دیگران (۱۹۹۹) اعتبار فرم اصلی را بر اساس روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ و بر اساس روش بازآزمایی ۰/۹۴ و اعتبار فرم کوتاه این پرسشنامه را نیل و کاری (۲۰۰۴) بر اساس روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. در این پژوهش برای سنجش اعتبار از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریب ۰/۷۲ به دست آمد که حاکی از اعتبار خوب این ابزار است. به علاوه، همبستگی ماده‌ها با نمره کل پرسشنامه بررسی شد که دامنه ضرایب آن از ۰/۲۰ تا ۰/۵۸ بود.

**سیاهه ابراز وجود گمبیریل و ریچی<sup>۷</sup> (گمبیریل و ریچی، ۱۹۷۵).** سیاهه ابراز وجود دارای ۴۰ ماده است که به دلیل تطابق نداشتن برخی از ماده‌ها با فرهنگ ایرانی تغییراتی در آن داده شد و تعداد ماده‌ها به ۲۲ ماده رسید. در این پژوهش از فرم ۲۲ ماده‌ای استفاده شد. آزمودنی برای پاسخ به ماده‌ها بر اساس مقیاس درجه‌بندی پنج گزینه‌ای از بسیار زیاد ناراحت می‌شوم (نمره ۱) تا اصلاً ناراحت نمی‌شوم (نمره ۵) عمل می‌کند. حاصل جمع نمره‌هایی که دامنه‌ای از ۲۲ تا ۱۱۰ دارد، میزان ابراز وجود فرد را نشان می‌دهد. گمبیریل و ریچی (۱۹۷۵) اعتبار این آزمون را مطلوب گزارش کرده‌اند. بهرامی (۱۳۷۵) بار عاملی ماده‌های پرسشنامه را در دامنه بین ۰/۳۹ تا

1. Identity Style Inventory: A revision with a six- grade reading level  
2. informational identity style  
3. normative identity style  
4. diffusion identity style

5. Commit Identity Style Inventory  
6. Self-Regulation Questionnaire  
7. Assertiveness Inventory Gambrill & Richey

توصیفی میانگین و انحراف استاندارد، از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر استفاده شد.

### یافته‌ها

میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ آمده است.

۰/۷۰ گزارش کرد. علاوه بر این، روایی محتوایی این پرسشنامه را استادان دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه اصفهان ۱۳۷۴-۱۳۷۵ تأیید کرده‌اند. در این پژوهش برای بررسی اعتبار از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریب ۰/۷۴ به دست آمد.

به منظور تحلیل داده‌ها پس از بررسی شاخص‌های

جدول ۱

میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵
سبک اطلاعاتی	۳۸/۱	۵/۴	-				
سبک هنجاری	۳۱/۸	۳/۸	۰/۴۹*	-			
سبک سردرگم-اجتنابی	۳۲/۲	۶/۱	۰/۱۴*	۰/۰۸	-		
هویت متعهد	۳۲/۴	۵/۲	۰/۵۰**	۰/۲۵**	۰/۴۹**	-	
خودنظم‌جویی	۹۴/۵۹	۱۱/۶	۰/۳۸**	۰/۲۰**	۰/۵۳**	۰/۶۵**	-
ابراز وجود	۷۹/۶۶	۱۰/۱	۰/۲۸**	۰/۱۳**	۰/۲۱**	۰/۲۹**	۰/۳۶**

\*P<۰/۰۵ \*\*P<۰/۰۱

داده‌های گردآوری شده از روش بیشینه احتمال استفاده شد. در جدول ۲ شاخص‌های برازش مدل آزمون شده گزارش شده که بیانگر برازش مطلوب مدل است.

جدول ۲

شاخص‌های برازندگی مدل پیشنهادی و مدل نهایی در پژوهش

RMSEA	AGFI	CFI	GFI	$\chi^2/df$
۰/۰۰۰۱	۰/۹۸	۱/۰۰	۰/۹۹	۰/۴۲

در شکل ۲ مدل نهایی پژوهش و در جدول ۳ ضرایب مسیر مستقیم، غیرمستقیم و کل پژوهش آورده شده است.

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، همبستگی معنادار بین متغیرها ادامه تحلیل را ممکن می‌سازد. از میان متغیرهای پژوهش به ترتیب خودنظم‌جویی رفتاری، سبک هویت متعهد، سبک هویت اطلاعاتی، سبک هنجاری و سبک هویت سردرگم-اجتنابی بالاترین ضریب همبستگی را با ابراز وجود دارد.

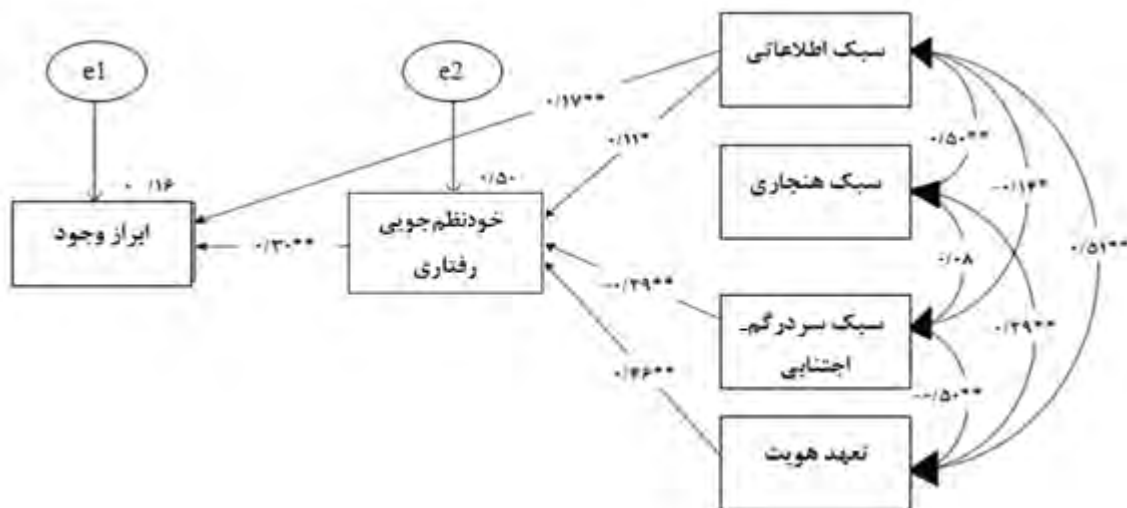
با محاسبه ضرایب مسیر تحلیل مدل پیشنهادی پژوهش انجام شد؛ و با توجه به معناداری ضرایب استاندارد، مسیرها تصحیح و ضرایب غیرمعنادار از مدل حذف و شاخص‌ها مجدداً محاسبه شد. برای آزمون مدل نظری پژوهش و برازش آن با

جدول ۳

اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای برون‌زا بر متغیر درون‌زا در مدل نهایی

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	واریانس تبیین شده
سبک اطلاعاتی	۰/۱۷*	۰/۰۳*	۰/۲۰*	
سبک هنجاری	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۰۰۲	
سبک سردرگم-اجتنابی	-	-۰/۰۹*	-۰/۰۹*	
هویت متعهد	-	۰/۱۴*	۰/۱۴*	
خودنظم‌جویی رفتاری	۰/۳۰*	-	۰/۳۰*	۰/۵۰
ابراز وجود	-	-	-	۰/۱۶

\*P<۰/۰۱



\* $P < 0.05$  \*\* $P < 0.01$

شکل ۲. نمودار مسیر مدل نهایی

خودنظم‌جویی رفتاری، ابراز وجود را پیش‌بینی می‌کند و این مسئله نشان‌دهنده نقش واسطه‌ای خودنظم‌جویی رفتاری در رابطه سبک هویت اطلاعاتی و ابراز وجود است. اثر غیرمستقیم سبک سردرگم-اجتنابی  $-0.08$  (در دامنه  $0.01$  تا  $0.13$  درصد،  $-0.05$  تا  $0.19$ ) بر ابراز وجود در سطح  $0.01$  به صورت منفی معنادار است که از طریق خودنظم‌جویی رفتاری بر ابراز وجود وارد می‌شود و تأییدکننده نقش واسطه‌ای خودنظم‌جویی رفتاری در رابطه سبک سردرگم-اجتنابی و ابراز وجود است. اثر غیرمستقیم هویت متعهد  $0.14$  (در دامنه  $0.01$  تا  $0.19$  درصد،  $0.09$  تا  $0.19$ ) بر ابراز وجود در سطح  $0.01$  معنادار است و چون از طریق خودنظم‌جویی رفتاری بر ابراز وجود اثر می‌گذارد تأییدکننده نقش واسطه‌ای خودنظم‌جویی رفتاری در رابطه سبک سردرگم-اجتنابی و ابراز وجود است. با توجه به شکل ۲، سبک‌های هویت و هویت متعهد در مجموع  $50$  درصد از تغییرات خودنظم‌جویی رفتاری و سبک‌های هویت و خودنظم‌جویی رفتاری  $16$  درصد از تغییرات ابراز وجود را تبیین می‌کنند.

## بحث

هدف از این پژوهش تعیین رابطه سبک‌های هویت و ابراز وجود با واسطه‌گری خودنظم‌جویی رفتاری بود. رابطه متغیرها در قالب مدل علی بررسی و مدل به روش تحلیل مسیر آزمون

در شکل ۲ و جدول ۳ مدل نهایی این پژوهش به همراه ضرایب مسیر هر متغیر ارائه شده است. با توجه به شکل ۲ مشخص می‌شود که فقط سبک هویت اطلاعاتی به صورت مستقیم پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار ( $t = 2/7, P < 0.01$ )،  $\beta = 0.117$  ابراز وجود است. به علاوه، سبک هویت اطلاعاتی ( $t = 7/8, \beta = 0.46, P < 0.0001$ ) به صورت مثبت و معنادار خودنظم‌جویی رفتاری را پیش‌بینی می‌کنند. سبک هویت سردرگم-اجتنابی ( $t = 5/6, \beta = -0.29, P < 0.0001$ ) پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار خودنظم‌جویی رفتاری است. همچنین شکل ۲ نشان می‌دهد که خودنظم‌جویی رفتاری پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار ابراز وجود ( $t = 4/9, \beta = 0.30, P < 0.0001$ ) است. در مورد این پرسش که خودنظم‌جویی رفتاری نقش واسطه‌ای در رابطه بین سبک‌های هویت و تعهد هویت با ابراز وجود دارد یا نه، از روش نمونه‌برداری‌های مکرر خودراه‌انداز<sup>۱</sup> (بولن و استین، ۱۹۹۰؛ شراوت و بولگر، ۲۰۰۲) با فاصله اطمینان ۹۵ درصدی توزیع نمونه‌برداری اثرات استفاده شد. در جدول ۳ نتایج آزمون معناداری برای مسیرهای واسطه‌ای گزارش شده است. با توجه به جدول ۳، اثر غیرمستقیم سبک اطلاعاتی  $0.033$  (در دامنه  $0.01$  تا  $0.05$ ) بر ابراز وجود در سطح  $0.01$  معنادار است. با توجه به شکل ۲، ملاحظه می‌شود که سبک اطلاعاتی، هم به صورت مستقیم و هم از طریق



صورت است که فرد می‌تواند اعمال و رفتار خود را نظارت، هدایت و مهار کند و تلاش‌های خود را به صورت متمرکز به کار بندد و برای فهم و درک رفتار خود و دیگران از مهارت‌هایی استفاده کند. برای اینکه فرد بتواند این مؤلفه‌ها را به کار ببرد، برخی پیش‌آیندها باید وجود داشته باشد که هویت از مهم‌ترین آن‌هاست. سبک هویت اطلاعاتی، به دلیل ویژگی‌هایی مانند هوشیاری در تصمیم‌گیری، خوداکتشافی مداوم، مسئله‌مداری، باز بودن در تجربه‌ها و اندیشه‌ورزی، به خودنظم‌جویی کمک می‌کند. برزونسکی و پاپینی (۲۰۱۴) با بررسی نقش واسطه‌ای خودنظم‌جویی در ارتباط بین سبک‌های پردازش هویت و جهت‌گیری ارزشی نشان دادند سبک هویت اطلاعاتی در ارتباط مستقیم و مثبت با خودنظم‌جویی است. جاکوبسکی و دمبو (۲۰۰۴) نیز دریافتند افراد با سبک هویت اطلاعاتی به دلیل گرایش به نظارت و هدایت بر رفتارها و خودتصمیم‌گیری در امور و علاقه به شناخت موضوع‌ها و داشتن برنامه مدون برای نیل به مقصود، نمره بالایی در خودنظم‌جویی دارند، که مستلزم تعهد فردی برای رسیدن به مقصود است. تحقیق چانگ و دیگران (۲۰۱۴) حاکی از پرورش مهارت خودنظم‌جویی در خانواده‌هایی است که از فرزندان خود حمایت می‌کنند و درعین حال آنها را مستقل و جست‌وجوگر بار می‌آورند و این وضعیت به فرزندان در مقابله با چالش‌های هویتی کمک می‌کند و در پرورش خودنظم‌جویی اثر مستقیم دارد.

یافته بعدی این پژوهش تأیید رابطه معنادار و منفی بین سبک هویت سردرگم - اجتنابی و خودنظم‌جویی رفتاری است. بر اساس نظریه برزونسکی (۱۹۹۰) افراد دارای سبک هویت سردرگم - اجتنابی از مواجهه با مسائل فردی، تعارض‌ها و تصمیم‌ها اجتناب می‌کنند و برای حل مسائل به گردآوری اطلاعات نمی‌پردازند. این افراد به دلیل پراکندگی در مفهوم هویت خود بلوغ رفتاری ندارند و فاقد مهارت تأمل و تفکر لازم برای برخورد با مسائل هستند. براساس نظریه پینتریچ و دی‌گروت (۱۹۹۰) این ویژگی سبب می‌شود آنان نتوانند بر رفتار خود آن نظارت و مهارتی را اعمال کنند که از ملزومات خودنظم‌جویی است. برزونسکی و پاپینی (۲۰۱۴) در تحقیق خود

شد. نتایج نشان داد که مدل پیشنهادی با داده‌های این پژوهش برازش مناسب دارد و ۵۰ درصد از واریانس خودنظم‌جویی رفتاری و ۱۶ درصد از واریانس ابراز وجود را تبیین می‌کند. نتایج آزمون مدل و تحلیل واسطه‌ای نشان داد خودنظم‌جویی رفتاری به عنوان واسطه بین سبک‌های هویت و هویت متعهد با ابراز وجود قرار گرفته است؛ بنابراین ارتباط بین متغیرهای پژوهش و اثر واسطه‌ای آن‌ها، به صورتی که در هدف پژوهش منظور شده بود، تأیید شد.

بر اساس این پژوهش، سبک هویت اطلاعاتی به‌طور مستقیم پیش‌بینی‌کننده مثبت ابراز وجود است. براساس نظریه شناختی-اجتماعی برزونسکی (۱۹۹۰) افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی، با توجه به ارزش‌ها و باورهایی که بر مبنای شناخت خود به دست آورده‌اند، به استقبال چالش‌ها می‌روند. این افراد به صورت هدفمند با مسائل رو به‌رو می‌شوند و مسائل را بررسی و ارزیابی نقادانه می‌کنند. این شیوه پردازش اطلاعات با برخی قابلیت‌های اکتسابی، از جمله تفکر عمیق در مسائل، استقبال از کسب تجربه‌های جدید، علاقه‌مندی به شناخت عمیق موضوع‌ها، ارزیابی مستقلانه موضوع با توجه به دیدگاه خود و تصمیم‌گیری آگاهانه بر مبنای روشن‌سازی مختلف مسئله، همراه است. این توانایی‌ها به فرد کمک می‌کند در رفتارهای خود قاطعیت نشان دهد و در مواجهه با عواملی که وی را از هدف دور می‌کنند ابراز وجود کند. این یافته با یافته‌های محققانی مانند آل‌بهبهانی (۲۰۱۵)،

برزونسکی و دیگران (۲۰۰۷)، شواترز و دیگران (۲۰۰۰)، پیری و شهرآرای (۱۳۸۴)، کراستی و دیگران (۲۰۱۴)، گوردن (۱۹۸۹)، لویکس و دیگران (۲۰۱۳)، و واترمن و دیگران (۲۰۰۰)، همسو بود که وجود رابطه مثبت و معنادار را بین سبک هویت اطلاعاتی با ابراز وجود یا مؤلفه‌های مرتبط با ابراز وجود گزارش کرده‌اند.

دومین یافته این پژوهش تاثیر معنادار و مثبت سبک هویت اطلاعاتی بر خودنظم‌جویی رفتاری است. این یافته تأیید نظریه‌های شناختی-اجتماعی مانند نظریه بندورا (۱۹۹۷) و پینتریچ و دی‌گروت (۱۹۹۰) است، که مطابق آن‌ها رفتار بهینه و مناسب مستلزم خودمشاهده‌گری و خودارزیابی است. در این

رابطه منفی بین سبک هویت سردرگم - اجتنابی و خودنظم‌جویی را، به‌عنوان متغیر واسطه‌ای گزارش کردند. همچنین این یافته در هماهنگی با تحقیق جاکوبسکی و دمبو (۲۰۰۴) است که بین سبک هویت سردرگم - اجتنابی و خودنظم‌جویی رفتاری کمترین ضریب همبستگی را گزارش کردند.

تأثیر مثبت و معنادار هویت متعهد در خودنظم‌جویی رفتاری یافته دیگر این پژوهش است و در هماهنگی با نظریه‌های شناختی - اجتماعی نشان می‌دهد که تعهد از راه افزایش تلاش متمرکز و پافشاری بر هدف‌ها به تنظیم رفتاری می‌انجامد. تعهد فراهم‌کننده چهارچوب مشخص و معین برای انجام کارهاست و حس مسئولیت رفتار را به افراد القا می‌کند و از این طریق سبب می‌شود افراد هدف خود را بهتر بشناسند و در راستای هدف تصمیم‌های کارساز بگیرند و برای اجرای تصمیم‌ها تلاش خود را به صورت آگاهانه متمرکز کنند و بر رفتار خود مهار و نظارت داشته باشند. تعهد، با توجه به التزام شخص به هدفی خاص، موجب می‌شود فرد رفتارهای خود را برای رسیدن به هدف تنظیم کند. چاتزیستاماتیو و دیگران (۲۰۱۴) نیز نشان دادند تعهد عاطفی معلم به شغل خود موجب بالا رفتن خودنظم‌جویی در دانش‌آموزان می‌شود و دانشی و دیگران (۱۳۹۲) نیز مشاهده کردند تعهد هویت به صورت معناداری پیش‌بینی‌کننده خودنظم‌جویی است.

آخرین و مهم‌ترین یافته این پژوهش عبارت از واسطه‌گری خودنظم‌جویی رفتاری بین سبک هویت اطلاعاتی، سبک سردرگم - اجتنابی و تعهد هویت با ابراز وجود است. سبک هویت اطلاعاتی به صورت غیرمستقیم و با افزایش خودنظم‌جویی رفتاری مهارت ابراز وجود دانش‌آموزان را بالا می‌برد. مطابق نظریه برزونسکی (۱۹۹۰) در مورد هویت، دانش‌آموزان دارای سبک هویت اطلاعاتی به دلیل برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری سنجیده در کارها و تلاش منظم و هدایت‌شده برای رسیدن به مقصود در بیشتر کارها موفق هستند و این شیوه برخورد با مسائل، نظم‌جویی را دربر دارد و خود دانش‌آموز را در اعمال و رفتارها به سوی نظم‌جویی سوق می‌دهد و نتیجه وجود این موارد بروز اعتماد به خود است که لازمه بروز

رفتار جرأت‌مندانه است.

تأثیر منفی غیرمستقیم معنادار سبک سردرگم - اجتنابی بر ابراز وجود با واسطه‌گری خودنظم‌جویی رفتاری نشان می‌دهد این سبک با کاهش خودنظم‌جویی رفتاری به کاهش ابراز وجود می‌انجامد. تبیین این یافته اساس نظریه پینتریچ و دی‌گروت (۱۹۹۰) به این صورت است که در افراد دارای سبک هویت سردرگم - اجتنابی ثبات در تصمیم‌ها و هدایت و نظارت بر اعمال به صورت منظم وجود ندارد و به این دلیل که این افراد توانایی‌های خود را باور نمی‌کنند، توانایی بروز رفتارهای جرأت‌مندانه را ندارند. خودنظم‌جویی مستلزم مهارت‌هایی فراشناختی مانند مهار، هدایت و ارزیابی تلاش‌ها و رفتارهای خود برای بهینه کردن رفتار، سازمان‌دهی هدفمند قابلیت‌ها، زمان و محیط برای انجام تکالیف شناختی، رفتاری و اجتماعی است که در افراد سردرگم - اجتنابی مشاهده نمی‌شود.

همان‌طور که مشاهده شد، تأثیر غیرمستقیم تعهد هویت بر ابراز وجود با واسطه‌گری خودنظم‌جویی قوی‌ترین اثر غیرمستقیم است و به دلیل آن ماهیت تعهد است که چهارچوبی برای نظارت، ارزیابی و نظم‌جویی به رفتار فراهم می‌کند و هدف‌ها، باورها و خواسته‌های مورد علاقه فرد را هدفمند می‌کند و به این دلیل در این پژوهش قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده خودنظم‌جویی است و موجب درک رفتارهای خود و تقاضاهای دیگران می‌شود و باعث می‌شود فرد بتواند در چهارچوب تعهد خود در مورد مسائل یا رفتارهای خود و دیگران تصمیم سنجیده بگیرد.

این تحقیق روی دانش‌آموزان دبیرستانی انجام شده و بنابراین از تعمیم یافته‌ها به سایر گروه‌های سنی اجتناب می‌شود. بر این اساس مهم‌ترین پیشنهاد این تحقیق برای محققان آینده بررسی این مدل در سایر گروه‌های سنی است.

محدودیت دیگر به بررسی نشدن نقش جنس در این پژوهش مربوط می‌شود و به همین دلیل بررسی نقش تعدیل‌گری جنس و نقش واسطه‌ای سایر متغیرها، مانند خودپنداشت یا حرمت خود، نیز در پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود.

مهم‌ترین کاربردهای این پژوهش به نقش مستقیم و غیرمستقیم سبک پردازش اطلاعاتی در ابراز وجود مربوط

می‌شود. بر این اساس پیشنهاد می‌شود که ضمن آگاه‌سازی خانواده‌ها حمایت‌های لازم از طرف نهادهای مرتبط مانند سازمان آموزش و پرورش یا انجمن اولیا و مربیان برای ترغیب و تشویق دستیابی به این سبک فراهم شود. نقش واسطه‌ای خودنظم‌جویی رفتاری نیز به این مسئله اشاره دارد که می‌توان با افزایش خودنظم‌جویی رفتاری مهارت مهم ابراز وجود را در دانش‌آموزان ارتقا بخشید. لازم است در مورد نقش مخرب سبک سردرگم - اجتنابی در خودنظم‌جویی و در نتیجه در کاهش ابراز وجود اطلاعات لازم در اختیار والدین و حتی معلمان قرار گیرد تا راهکارهای مورد نیاز برای مواجهه با این سبک اتخاذ شود. در نهایت نقش غیرمستقیم و پرننگ تعهد هویت در ابراز وجود کاربردهای مهمی برای دستگاه‌های اجرایی و آموزشی دارد، به این معنی که لازم است کمک‌های ضروری برای دستیابی دانش‌آموزان به تعهد هویت فراهم شود تا از این طریق ضمن افزایش خودنظم‌جویی توانایی بیان خود و دستیابی به حقوق خود در دانش‌آموزان تقویت شود. در اینجا نیز والدین نقش اساسی ایفا می‌کنند و برگزاری کارگاه‌هایی در این زمینه راهگشا خواهد بود.

## منابع

- برک، ل. (۱۳۸۸). *روان‌شناسی رشد*. (جلد دوم). ترجمه ی. سید محمدی. تهران: نشر ارسباران (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۲۰۰۷).
- بهرامی، ف. (۱۳۷۵). *مقایسه اثربخشی آموزش روش‌های جرأت‌ورزی به دانش‌آموزان کم‌جرأت دختر دبیرستانی با شیوه‌های مشاوره فردی و گروهی در شهر اصفهان*. پایان‌نامه (چاپ نشده) کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- پروین، ل. (۱۳۷۲). *روان‌شناسی شخصیت: نظریه و تحقیق (جلد دوم)*. ترجمه م. جوادی و پ. کدیور. تهران: انتشارات رسا (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۱۹۸۹).
- پیری، ل. و شهرآرای، م. (۱۳۸۴). بررسی رابطه میان سبک‌های هویت، ابراز وجود و سبک‌های مقابله. *مطالعات روان‌شناختی*، ۱ (۲ و ۳)، ۵۴-۳۴.
- جوکار، ب.، حسین‌چاری، م. و مهرپور، آ. (۱۳۹۳). پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر اساس سبک‌های هویت در دانشجویان دانشگاه شیراز.
- فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۱۰، ۲۲-۴.
- حجازی، ا. و برجلی، س. (۱۳۸۹). تفکر انتقادی، سبک‌های هویت و تعهد هویت در نوجوانان: ارائه یک مدل علی. *روان‌شناسی معاصر*، ۴، ۱۵-۳.
- حسینی، ف. ا.، مزیدی، م. و حسین‌چاری، م. (۱۳۸۹). پیش‌بینی سبک‌های هویت بر اساس جهت‌گیری‌های مذهبی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۶ (۱)، ۷۱-۵۳.
- حکیمیا، ف. و موسوی، س. (۱۳۹۱). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان سوءمصرف کننده مواد مخدر با دانشجویان غیرمصرف کننده. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۹ (۳۴)، ۱۸۷-۱۷۹.
- دانشی، ف.، برزگر، م. و سهرابی‌شگفتی، ن. (۱۳۹۲). رابطه بین سبک‌های هویت‌یابی و هوش هیجانی با یادگیری خودنظم‌جویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه آزاد واحد مرودشت.
- سازمان بهداشت جهانی. (۱۳۸۵). *برنامه آموزش مهارت‌های زندگی*. ترجمه ل. فنی، ف. موتابی و م. کاظم‌زاده‌عطوفی. تهران: دانژه (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۲۰۰۶).
- سماوی، س. ع. و حسین‌چاری، م. (۱۳۸۸). سوء مصرف مواد مخدر و پایگاه هویت در دانشجویان. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۵ (۲۰)، ۳۳۳-۳۲۳.
- شاملو، سعید (۱۳۸۲). *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت*. تهران: انتشارات رشد.
- شولتز، د. و شولتز، س. ا. (۱۳۹۰). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه ی. سیدمحمدی. تهران: انتشارات ویرایش (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۲۰۰۵).
- صادقی، ر.، تاجیک‌زاده، ف. و مهرابی‌زاده هنرمند، م. (۱۳۹۳). رابطه ویژگی‌های شخصیتی با سبک‌های هویت در دانشجویان. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام*، ۲۰، ۲۱۶-۲۰۶.
- فولادچنگ، م.، شیخ‌الاسلامی، ر. و صفری، ه. (۱۳۸۹). پیش‌بینی سبک‌های پردازش هویت نوجوانان بر اساس ابعاد فرزندپروری. *مجله روان‌شناسی*، ۵۹، ۱۷-۳.
- قاسمی، م.، عارفی، م. و شیخ‌الاسلامی، ر. (۱۳۸۲). بررسی رابطه هویت و ارزش‌ها در جوانان. *ویژه‌نامه مجله دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی*، ۷، ۲۴۵-۲۶۳.

- span: A process perspective on identity formation. *Advances in Personal Construct Psychology*, 1, 155-186.
- Berzonsky, M. D. (1994). Self-identity: The relationship between process and content. *Journal of Research in Personality*, 28 (4), 453-460.
- Berzonsky, M. D. (1997). Identity development, control theory, and self-regulation An individual differences perspective. *Journal of Adolescent Research*, 12 (3), 347-353.
- Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter?. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 3 (2), 131-142.
- Berzonsky, M. D. (2004). Identity processing style, self-construction, and personal epistemic assumptions: A social-cognitive perspective. *European Journal of Developmental Psychology*, 1 (4), 303-315.
- Berzonsky, M. D. (2008). Identity formation: The role of identity processing style and cognitive processes. *Personality and Individual Differences*, 44 (3), 645-655.
- Berzonsky, M. D., & Adams, G. R. (1999). Reevaluating the identity status paradigm: Still useful after 35 years. *Developmental Review*, 19 (4), 557-590.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S. (2000). Identity status, identity processing style, and the transition to university. *Journal of Adolescent Research*, 15 (1), 81-98.
- Berzonsky, M. D., & Papini, D. R. (2014). Identity processing styles and value orientations: The mediational role of self-regulation and identity commitment. *Identity*, 14(2), 96-112.
- Berzonsky, M. D., Branje, S. J., & Meeus, W. (2007). محمودی‌کهریز، ب.، باقریان، ف. و حیدری، م. (۱۳۹۳). نقش خودنظم‌دهی در سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان. *روانشناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۰ (۴۰)، ۳۸۳-۳۹۲.
- مرادپور، ج.، میری، م.، ر.، علی‌آبادی، س. و پورصادق، ع. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش مهارت‌های خودآگاهی و ابراز وجود بر سازگاری و عزت نفس مادران کم‌توان ذهنی. *مراقبت‌های نوین*، ۱۰، ۵۲-۴۳.
- مغانلو، م.، وفايي، م. و شهرآرای، م. (۱۳۸۷). رابطه عوامل مدل پنج‌عاملی شخصیت و سبک‌های هویت. *پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۱۱، ۹۴-۷۹.
- Aalbehahani, M. (2015). Moral intelligence, identity styles and adjustment in adolescent. *The European Proceedings of Social & Behavioral Sciences*, Retrieved 3 Oct. 2015 From [http://dx.doi.org/10.15405/epsbs\(2357-1330\).2015.1](http://dx.doi.org/10.15405/epsbs(2357-1330).2015.1).
- Adams, G. R., Berzonsky, M. D., & Keating, L. (2006). Psychosocial resources in first year university students: The role of identity processes and social relationships. *Adolescent Research*, 15(4), 504-521.
- Alayia, Z., Babaei Zad Khamen, A., & AhmadiGatab, T. (2011). Parenting style and self-assertiveness: Effects of a training program on self-assertiveness of Iranian high school girls. *Social and Behavioral Sciences* 30, 1945-1950.
- Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*. New York: Freeman.
- Bekker, M. H., Croon, M. A., van Balkom, E. G., & Verme, J. B. (2008). Predicting individual differences in autonomy-connectedness: The role of body awareness, alexithymia, and assertiveness. *Journal of Clinical Psychology*, 64(6), 747-765.
- Berzonsky, M. D. (1989). Identity style conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research*, 4 (3), 268-282.
- Berzonsky, M. D. (1990). Self-construction over the life-

- identity conceptualizations. *European Review of Applied Psychology*, 63 (1), 1-13.
- Erikson, E. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York: Norton.
- Gambrill, E. D., & Richey, C. A. (1975). An assertion inventory for use in assessment and research. *Behavior Therapy*, 6 (4), 550-561.
- Gordon, L. L. (1989). *Identity development and personal expressiveness*. Unpublished master's thesis, University of Arizona, Tucson.
- Grotevant, H. D. (1997). Coming to terms with adoption: The construction of identity from adolescence into adulthood. *Adoption Quarterly*, 1 (1), 3-27.
- Jakubowski, T. G., & Dembo, M. H. (2004). The relationship of self-efficacy, identity style, and stage of change with academic self-regulation. *Journal of College Reading and Learning*, 35 (1), 7-24.
- Lin, Y. R., Shiah, I. S., Chang, Y. C., Lai, T. J., Wang, K. Y., & Chou, K. R. (2004). Evaluation of an assertiveness training program on nursing and medical students' assertiveness, self-esteem, and interpersonal communication satisfaction. *Nurse Education Today*, 24 (8), 656-665.
- Lizarraga, M., Ugarte, M., Elawar, M., Iriarte, M., & Baquedano, M. (2003). Enhancement of self-regulation, assertiveness, and empathy. *Learning and Instruction*, 13 (4), 423-439.
- Luyckx, K., Soenens, B., Vansteenkiste, M., Goossens, L., & Berzonsky, M. D. (2007). Parental psychological control and dimensions of identity formation in emerging adulthood. *Journal of Family Psychology*, 21(3), 546.
- Identity-processing style, psychosocial resources, and adolescents' perceptions of parent-adolescent relations. *Journal of Early Adolescence*, 27 (3), 324-345.
- Bollen, K. A., & Stine, R. (1990). Direct and indirect effects: Classical and bootstrap estimates of variability. *Sociological Methodology*, 20 (1), 15-140.
- Brown, J. M., Miller, W. R., & Lawendowski, L. A. (1999). The self-regulation questionnaire. In: Vande Creek, L., Jackson, T.L., (eds.) *Innovations in clinical practice: A sourcebook* (pp.281-292). Sarasota, FL: Professional Resource Press/Professional Resource Exchange.
- Chang, H., Shaw, D. S., Dishion, T. J., Gardner, F., & Wilson, M. N. (2014). Direct and indirect effects of the family check-up on self-regulation from toddlerhood to early school-age. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 42(7), 1117-1128.
- Chatzistamatiou, M., Dermitzaki, I., & Bagiatis, V. (2014). Self-regulatory teaching in mathematics: relations to teachers' motivation, affect and professional commitment. *European Journal of Psychology of Education*, 29 (2), 295-310.
- Clancy, S. M., & Dollinger, S. J. (1993). Identity, self, and personality: I. Identity status and the five-factor model of personality. *Journal of Research on Adolescence*, 3 (3), 227-245.
- Crocetti, E., Erentaitė, R., & Žukauskienė, R. (2014). Identity styles, positive youth development, and civic engagement in adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 43(11), 1818-1828.
- Crocetti, E., Sica, L. S., Schwartz, S. J., Serafini, T., & Meeus, W. (2013). Identity styles, dimensions, statuses, and functions: Making connections among

- Schunk, D. H. (2001). *Self-regulation through goal setting*. ERIC Clearinghouse on Counseling and Student Service, University of North Carolina at Greensboro.
- Schwartz, S. J., Mullis, R. L., Waterman, A. S., & Dunham, R. M. (2000). Ego identity status, identity style, and personal expressiveness: An empirical investigation of three convergent constructs. *Journal of Adolescent Research, 15* (4), 504-521.
- Shrout, P. E., & Bolger, N. (2002). Mediation in experimental and nonexperimental studies: new procedures and recommendations. *Psychological Methods, 7* (4), 422.
- Waterman, A. S., Lopez, L. M., Gruenfeld, K. E., & Jessee, C. L. (2000). The relationship of personal expressiveness to intrinsic motivation, purpose in life, identity achievement, and principled morality. *Manuscript in preparation, The College of New Jersey, Ewing*.
- White, J. M., Wampler, R. S., & Winn, K. I. (1998). The Identity Style Inventory A Revision with a Sixth-Grade Reading Level (ISI-6G). *Journal of Adolescent Research, 13* (2), 223-245.
- White, R. J. (2009). *The role of parenting style, ethnicity, and identity style on identity commitment and career decision self-efficacy*. University of Southern California.
- Mangrulkar, L., Whitman, C. V., & Posner, M. (2001). *Life skills approach to child and adolescent healthy human development*. Pan American Health Organization, Division of Health Promotion and Protection, Family Health and Population Program, Adolescent Health Unit.
- Masters, J. C., Burish, T. G., Hollon, S. D. & Rimm, D. C. (1987). *Behavior therapy: techniques and empirical findings, 3rd end*. New York: Harcourt Brace Jovanovich.
- Moshman, D. (1999). *Adolescent psychological development*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates Inc.
- Neal, D. J., & Carey, K. B. (2004). Developing discrepancy within self-regulation theory: Use of personalized normative feedback and personal strivings with heavy-drinking college students. *Addictive behaviors, 29*(2), 281-297.
- Niusha, B., Farghadani, A., & Safari, N. (2012). Effects of assertiveness training on test anxiety of girl students in first grade of guidance school. *Procedia-Social and Behavioral Sciences, 46*, 1385-1389.
- Pintrich, P. R., & DeGroot, E. V. (1990). Motivational and self-regulated learning components of classroom academic performance. *Journal of Educational Psychology, 82* (1), 33-40.